

ترجمه گرجی قدیم و ویس و رامین

بقلم و . س . پوتوریدزه

از دانشمندان گرجستان
آقای مدیر مجله مهر

در پایان تابستان ۱۳۱۴ که بمناسبت جشن هزار ساله ولادت فردوسی در گرجستان از جانب ایران نمایندگی داشتم و چند روزی در شهر زیبای مهمان نواز تفلیس با ادبای نامی گرجستان نشست و برخاست می کردم چیزی که بیش از همه خاطر مرا نوازش می داد روابط دیرین ادبی زبان فارسی با زبان گرجی بود در بازگشت بطهران شمه ای درین باب فهرست مانند در شماره ۷ سال دوم مجله مهر نوشتم . در همان اوان مستشرق نامی روسی یوری مار که چندی پیش این جهان را از خویش تھی گذاشت و رفت و دوستان خویش را در مانم نشانند و در قریه آب استومان تفلیس مقیم بود یکی دوتن از دانشمندان نامی گرجستان را که با دیبای فارسی دست دارند و ادار کرد که مقالاتی در بیان روابط ادبی ایران و گرجستان فراهم کنند که بیای در صحایف مجله مهر انتشار یابد . اخیراً دو مقاله از دوتن ازین ادبای نامی تفلیس رسیده است که یکی از آنها بعنوان «ترجمه گرجی قدیم ویس و رامین» بقلم و . س . پوتوریدزه نوشته شده و آنرا بیاری خانم دانشمند فاطمه سیاح ترجمه کرده و بصحابت این سطوره نقدیم می دارم . متأسفانه این مقاله هنگامی نوشته شده است که یگانه نسخه مرجع از ویس و رامین همان چاپ قدیم کلکنه بود که بدستباری کایتان ولیم ناسولیس مستشرق انگلیسی در ۱۸۶۵ میلادی انتشار یافت و هنوز چاپ جدید آن که امسال بهمت آقای مینوی در طهران (کتابخانه بروخیم) منتشر شده رواج نیافته بود بهمین جهت یکی دو ملاحظه و ایراد که در متن مقاله وارد آمده است بر چاپ کلکنه واردست و در چاپ طهران بر طرف شده بهمین جهت در پایان صحایف در ذیل یادداشت هائی آن ملاحظات را ایراد کردم و نیز هر جا که نویسنده دانشمند این مقاله بر چاپ کلکنه احواله داده بود صحایف و شماره ابیات چاپ طهران را در ذیل آن یادداشت کردم و بسهم خویش از نویسنده این مقاله که از جمله دوستداران صمیمی ایران در گرجستانست از فرستادن چنین ره آوردی سیاسی می گزارم و امیدوارم که دامنه این ارمغانها گسترده نگردد .

ترجمه داستان ویس و رامین فخرالدین گرگانی بنشر گرجی که در زبان گرجی ویس رامیانی نام دارد اثر جالب توجهی است متعلق بدوره قدیم ادبیات گرجی. بی اطلاعی از زبان فارسی و در نتیجه آن بی خبری از اصل فارسی این کتاب پرفور «هاخانشویلی» را در ۱۸۹۶ وادار کرده است که در روزنامه گرجی موآمبه این عقیده را اظهار کند و حتی در صدد ثبوت آن برآید که «ویس رامیانی گرجی ترجمه گرجی منظومه گرگانی نیست بلکه اقتباس از نسخه اصل پهلویست که همه میدانیم گرگانی خود نیز از آن پیروی کرده است».

ن. ی. مار نمونهائی از ترجمه گرجی را با اصل فارسی گرگانی مقابله کرده و اشتباهات هاخانشویلی را که از اصل فارسی آن اطلاعی نداشته آشکار کرده و در نتیجه این مقایسه می گوید: ^۱ «باستثنای مقدمه کتاب که مترجم گرجی قسمتی از آنرا خلاصه کرده و فروگذار کرده است زیرا که رابطه مستقیم با موضوع منظومه نداشته است و نیز باستثنای خاتمه کتاب که بهمان دلیل آنرا خلاصه کرده است تمام قسمت های دیگر منظومه فخرالدین را با دقتی تقریباً کامل و تحت اللفظ مترجم گرجی هر چه توانسته است نقل کرده است. مترجم مزبور هریتی را پس از دیگری ترجمه کرده و بهمین جهت اگر در نشر گرجی این ترجمه دقت کنیم جز یک سلسله جمله های مزدوج کوتاه که تابع شعر فارسی است چیز دیگری نیست. هر جا که مترجم از اصل فارسی منحرف شده بواسطه آنست که در بسیاری از جاها ممکن نبوده است مترجم اصل فارسی را در ترجمه خود رعایت کند از آن جمله است در مکتوب نهم (ص ۲۸۹) ^۲ که در آنجا تشبیهاتی را که مربوط بخط عربی است مترجم حذف کرده است زیرا که خواننده ای که خط عربی را نشناسد بهیچ وجه معنی آنرا درک نمی کند و برای خواننده گرجی سودی در بر ندارد ولی گاهی هم انحراف از اصل فارسی عمدی بوده است. از آن جمله در متن فارسی چنین است:

معلم چون کند دستان نوازی کند کودک همیدون پای بازی

که ترجمه گرجی آن چنین است: «وقتی که کیش کمانچه بزند وظیفه نایب کیش

۱ — این قسمت از مقاله ن. ی. مار بعنوان «موضوع نفوذ ادبیات ایران در ادبیات

گرجی» مندرج در مجله وزارت معارف شماره مارس ۱۸۹۷ - ص ۲۲۳ - ۲۲۷ منتشر شده است.

۲ — ص ۳۷۶ از چاپ طهران.

جز رقصیدن چیست؟». پس از آن مترجم گرجی مقدار کثیری از کلمات فارسی جدید و حتی از استعمالات عربی این زبان را نقل کرده و هرگز کلمات پهلوی بمیان نیاورده است و آنکه «مترجم گرجی در مقدمه ای که بترجمه خود نوشته می گوید که چگونه داستان منظوم ویس و رامین را از پهلوی بزبان فارسی نقل کرده ولی از نقل آن از فارسی بگرجی سخن نمی راند و این همان نکته است که در اصل فارسی نیز دیده میشود.»

در این که ویس و رامینی گرجی ترجمه فارسی است چنان آشکارست که دیگر امروز برای کسی شکی نمانده. ما می گوید: پس موضوع در اینست که بدانیم اگر مترجم گرجی متن دیگری بجز متنی که این داستان از روی آن چاپ شده در دست نداشته و نسخه بهتری از نسخه های موجود بدست او نبوده است تاچه اندازه عالمانه کار خود را انجام داده است. در باب بصیرت مترجم در فن خودسی و پنج سال پس از انتشار مقاله ما این موضوع در کتاب پرفسور بارامیدزه «ملاحظات در باب تاریخ ادبیات گرجی» (زبان گرجی) حل شده است. در فصل مخصوص بویس و رامین پرفسور بارامیدزه فهرستی از مطالعاتی که در ادبیات علمی در باب این کتاب شده است انتشار داده. مترجم مزبورگاهی قسمت هائی را که در اصل مفصل تر است در ترجمه خود مختصر می کند وگاهی نیز بالعکس قسمت هائی را که در اصل مختصرست در ترجمه خود بیشتر توضیح می دهد.

در یکی از مکاتیب ویس و رامین (ص ۳۷۵ بیت ۵) این قسمت هست:

تم چون شمع سوزان اشک ریزان چو ابر تیره از دل دود خیزان
بلا را مونس غم را رفیقم بدریای جدائی در غریقم
و در ترجمه گرجی این قسمت چنین آمده: «دل من باتن من از آتش جدائی

تو می سوزد. مانند شمعی فروزنده ام (کار من از شمع نیز مشکل ترست زیرا که چون شمع میسوزد تاته می سوزد ولی من همواره فروزانم و ازین (آتش) جاودان می سوزم و رنج میکشم هر لحظه خود را در اشک خویش می شویم و نمی توانم آتش خود را خاموش کنم)

دل من چون ابر تیره دود افکن است

من مهمان بدبختی و دوست رنج و دردم

در دریای غربت (باجدائی) خود را غرق می‌کنم.

بارامیدزه تقریباً با تاکید عقیده دارد که جمله‌هائی در هلالین واقع شده. از تصرفات مترجم است که می‌توان گفت نسخه‌اصل را انتقاد کرده است. ولی نیز احتمال بسیار می‌رود که درین ترجمه نسخه بدلی از اصل فارسی مندرجست که ترجمه کرجی بر آن متکی است. در بسیاری از موارد در ترجمه کرجی قسمت هائی است که بکلی با اصل فارسی مخالف است. از آن جمله شعر فارسی ص ۱۷۹ سطر ۱۱۵ که بدین گونه است:

بسی بود او بدین دژ باشه‌شاه. بهر سنگی برو داند یکی راه

مترجم کرجی آنرا چنین ضبط کرده است: «اغلب (رامین) این دژ را بی‌موبد دیدن می‌کرد و هزاران راه برای خروج از آن میدانست.»

قسمت‌هائی مانند این قسمت‌ها که در میان متن فارسی و ترجمه کرجی اختلاف دارد فراوانست. ولی این همه دلیل نیست که ترجمه کرجی از روی اصل فارسی نشده باشند. بنابراین موضوع اینست که آیا مترجم کرجی نسخه‌ای در دست داشته است که با نسخه‌چاپی اختلاف داشته؟ بسیاری از قسمت‌های ترجمه کرجی را بعد از ناسخین تعریف کرده‌اند چنانکه در مقایسه با اصل فارسی میتوان دوباره آنها را اصلاح کرد. آکادمیسین‌مار چندین نمونه از آن نقل کرده است. از آن جمله است:

در ص ۱۲۸ سطر ۷ تا ۹ از چاپ ترجمه کرجی چنین آمده است: «چون شاه مؤبد با اختر مساعد از قهستان بازگشت و بشهر ماراو (مرو) رسید مانند سلیمان و بالاو بر بام قصر نشست.»

مشکل است درین جا متوجه نقص یا تحریفی شد ولی پیداست که معنی درست واضح نیست زیرا که در اشعار بعد در ضمن مکالمه می‌بینیم که ویس ظاهر می‌شود و حال آنکه پیش از آن ذکر نشده است که وی نیز با موبد در قصر بوده. وانگهی ذکر نام بالاو بنظر بسیار عجیب می‌آید و معلوم نبود که کیست. ولی این اشکال با کمال وضوح از متن فارسی بر طرف میشود که در آنجا درین قسمت در ص ۲۱۱۹ این اشعار دیده میشود:

بنیک اختر جهاندار سرافراز
 بزکوهستان بشهر مرو شد باز
 بیام کوشک بر باسیم برویس
 نشسته چون سلیمان بود و بلقیس
 درین صورت دراصل هیچ ذکری از بالا و نام نبوده و فقط نام بلقیس (ملکه سبا
 که بنا بر افسانه زن سلیمان شده است) بوده است که مترجم گرجی آنرا بلیق ترجمه کرده
 و کاتبی بعدها آنرا به «بالاو» تحریف کرده است.^۱

از طرف دیگر متن چایی نسخه فارسی ویس و رامین نواقص و معایب بسیار
 دارد که رفع آنها دشوار است زیرا که نسخه های خطی این داستان بسیار کم است. درین باب
 ترجمه گرجی می تواند بسیار سودمند واقع شود زیرا که این ترجمه تقریباً در قرن دوازدهم
 میلادی صورت گرفته است.

آکادمیسین مار پس از آنکه صفات عمومی ترجمه گرجی مزبور را ذکر کرده
 گفته است که بیداری این ترجمه می توان اغلب نسخه فارسی را تصحیح و کامل کرد
 زیرا که مترجم گرجی آن احتمال می رود که در قرن دوازدهم بوده است و در هر حال
 نسخه ای در دست داشته است که تا اندازه ای خوب بوده.^۲

مثالهایی که بارامیدزه ایراد کرده و پیش از این نقل کردیم عقیده ما را درکمال
 خوبی ثابت می کنند ولی برای تکمیل آن بعضی مثالهای دیگر ذکر می کنیم: در ص ۱۰۶
 و ۱۰۷ نسخه چایی فارسی چنین دیده میشود:^۳

- ۱ — چاپ طهران - ص ۱۷۱ بیت ۹ و ۱۰ .
 ۲ — مقاله سابق الذکر ص ۲۳۰ . در مقاله دیگری در همین باب « روابط ادبی ایران
 و گرجستان » در مجله جمعیت مستشرقین جلد اول - ص ۱۱۸ - ۱۳۸ ن ی . ما احتمال میدهد
 که این ترجمه را میتوان قرن سیزدهم یا چهاردهم نیز نسبت داد .
 ۳ — در چاپ طهران (ص ۱۵۵ ابیات ۱ تا ۷) بجای سه بیت مزبور این پنج بیت آمده است :
- | | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| شهنشه بان بر بست از خراسان | سرا یرده بزد بر راه گورگان |
| وز آنجا سوی کوهستان سفر کرد | چو آمد بر روی ساره گذر کرد |
| بماند آسوده رامین در خراسان | کجا او خوبستن را ساخت نالان |
| برادر نخت و جای خود بدو داد | بفرمودش که مردم را دهد داد |
| شهنشه رفته از مرو نو آئین | بمرو اندر بمانده و بس و رامین |
- و ببیند است که در چاپ کلکته دو بیت از میان افتاده و کجا او « کجاوه » چاپ شده است
 و حال آنکه اصل فارسی با ترجمه گرجی کاملاً مطابق بوده است .

شهنشه بار بر بست از خراسان
 برادر جای و تخت خود بدو داد
 کجاوه خویشتن را ساخت نالان
 بفرمودش که مردم را دهد داد
 شهنشه رفته از مرو نوآئین
 بمرو اندر بمانده ویس و رامین
 در ترجمه گرجی قسمت مربوط چنین است: «شاه موبد از خراسان بیرون
 رفت و خیمه‌های خود را رو بخراسان کرد.

از گرگان بکهستان رسید و از کهستان بری رسید.
 (آنجا) چندی ماند، بکارها می پرداخت و در آن دیار شکار میکرد.
 رامین در خراسان ماند، در (شهر) مرو ماند و بیماری خود را بهانه کرد.
 برادر جای خود را و تخت و دیار را بوی سپرد و از وی خواست که دادگری
 درست کار و فروتن باشد.

شاهنشاه از مرو بیرون رفت و ویس و رامین و دایه در مرو ماندند.

در ترجمه گرجی قسمت دوم بیت اول افتاده و پرفسور بارامیدزه عقیده دارد
 که مترجم گرجی این حذف را کرده است زیرا که عقیده داشته است که جدائی از موبد
 پیرمرد و مزاحم ممکن نبوده است باعث گریه کسی شود. وانگهی موبد در خراسان در
 میان نزدیکان خود تنها ویس و رامین را گذاشته است که البته از بن عزیمت شاه خشنود
 بوده اند. در اصل گفته شده است که شاه تخت را برای «او» گذاشته است ولی نمیتوان
 از نسخه اصل پی برد که مراد از این «او» چیست؟ جواب باین سؤال را فقط میتوان از
 روی ترجمه گرجی داد که در آنجا گفته شده است که رامین در خراسان ماند و برادرش
 جای خود و تخت خود و دیار را باو سپرد.

برای کسانی که در ویس و رامین مطالعه میکنند بنظر ما بسیار جالب توجه است
 که باز قسمتی از ترجمه گرجی را که نقص بسیار مهم نسخه اصل را بر طرف میکند ذکر
 کنیم: در متن فارسی در ص ۴۲ بیت ۲۲ تا ص ۴۳ بیت ۳ چنین است:

چو آگه گشت از آن بدخواه و یرو
 شگفت آمدش کار چرخ بد خو
 که باشد کام مارش جفت تیمار
 چو روز روشنی جفت شب تار

۱ — در ترجمه گرجی بجای کجاوه «کاراو» یعنی خیمه نوشته شده زیرا که خواننده
 گرجی معنی کجاوه را نمی دانسته است.

نه بی رنجست اورا شادمانی نه بی مرگت اورا زندگانی

پدر مردو برادر شد بزمن دور من اکنون مانده‌ام بی جان ورنجور

این کلمات شکایت آمیز که در آغاز این قسمت است از زبان ویرو است و در بیت چهارم میبینیم در باره برادری است که ذکر ی از و نشده است ولی در ابیات دیگری که پس ازین اشعار میگوید با کمال وضوح دیده میشود که بیت چهارم از زبان ویروست و نه از زبان ویس. درین صورت میبایست قطعاً در میان بیت سوم و چهارم که نقل کرده‌ایم چیزی افتاده باشد و اگر بترجمه گرجی رجوع کنیم میبینیم که از متن فارسی از پایان فصل هشتم و از آغاز فصل نهم چیزی افتاده است که در چاپ گرجی هست و آن اینست: ^۱ چون ویرو دانست که (دشمنان) رسیدند و سپاهش گریخت از (ناپایداری) جهان گذران شگفتش آمد.

جهانیکه در آن غم و شادی جفت یکدیگرند هم چنانکه روشنائی باتاریکی شب جفت یکدیگرند.

جهانی که در آن درد بیش از شادی است و دل فرزندان چون بدست آن افتد اتوان است.

جهان (ویرو) را نسبت بموید فیروز کرده و همان جهان غم را از سوی دشمنان دیگر برای او آورده است. چهره اش هنوز پوشیده از خوی و گرد بود، هنوز شمشیر خون آلود خود را بغلاف نبرده بود که با همان شمشیر و بهمراهی سپاه کوچکی بجنگ شاه دیلم رفت.

موید چون دانست که ویرو بجنگ دیلم و گیلانیان می رود همان دم بازگشت و هر چند که نمیتوانست از خستگی حرکت کند چنان تند رفت که با دمیستوانست بگرداوبرسد. (وی) با سپاه خود بگوزاب رسید که خانه و مسکن ویس در آنجا بود. ^۲

۱ — در چاپ طهران در میان بیت سوم و چهارم این قسمت ۲۱ بیت افزوده می شود (ص ۶۶ بیت ۱۶ تا ص ۶۸ بیت ۱۱) و آن ابیات که از چاپ کلکته افتاده نیز مطابق با ترجمه گرجی است.

۲ — نام ویس در زبان گرجی ویسی خوانده می شود و یاء آخر آن علامت فاعلی

فصل نهم

چگونه موبد بقلعه و پرو نزدیک شد و گفتار ویس

چون ویس ملکه تمام زیباییان خود را در دام گرفتار دید و پدرش را کشته و برادرش را بجنک رفته یافت جگر خود را سوخته و دل خود را زخم دیده یافت چهره خود را خراشید و بگریه آغاز کرد، گریان بدایه خود میگفت:

«امروز در زیر آسمان کی بود و بر فراز زمین تیره کسی نیست که بدبخت تر و غم دیده تر (و دلی زخم دیده تر) از من باشد. نمیدانم بدبختی خود را بکه بگویم و یا از که یاری بخواهم. درین زمان از که داد باید خواست و بکه از سر نوشت ستمگر شکایت باید کرد. چگونه باید نزد پرو رسید و چگونه باید از موبد پیرو گنده خود را نجات داد. در کدام روز (تیره بختی) و در کدام اختر مادر مرا زاده است که از ولادت تا کنون همواره در بدبختی مانده‌ام. چرا پیش از آنکه پدر را بدست دشمنی کشته بینم نمرده‌ام.»

پس از آن این جمله «پدر من کشته شده و غیره» را که در اصل فارسی هست میبینم، خواننده ایرانی که زبان انگلیسی را میداند میتواند متن فارسی ویس و رامین را با ترجمه کرجی آن مقایسه کند زیرا که ترجمه انگلیسی از ویس و رامینی بتوسط واردروپ موجود است باین عنوان: «ویس و رامینی، تاریخ زندگی ویس و رامین - داستانی از ایران قدیم - ترجمه از کرجی - بتوسط واردروپ - لندن ۱۹۱۴»^۱

ولی در ضمن مطالعه این کتاب باید متوجه اشتباهات واردروپ بود که ترجمه خود را از روی چاپ کرجی ویس و رامینی در ۱۸۸۴ کرده است که نسخه معتبر نیست و در آن تحریفات بسیار از متن شده است. بعضی از آن خطاها را ن. ی. مار در مقاله خود بعنوان «روابط ادبی ایران و گرجستان» در مجله جمعیت مستشرقین ج اول - لنین گراد ۱۹۲۵ ایراد کرده است.

ازین مثالهای مختصری که درین مقاله ذکر کرده‌ایم و از مطالعات ن. ی. مارو بارامیدزه گرفته ایم اهمیتی که باید ترجمه قدیم کرجی ویس و رامین در تهیه متن

۱ - Visramianni - The story of the lives of Vis and Ramin A Romance of ancient Persia, Translated from georgian Version by O. Wardrop - London 1914.

صحیح این کتاب داشته باشد معلوم میشود و بالعکس میتوان پی برد که متن فارسی برای تصحیح ترجمه گرجی که ناسخین در آن تحریر کرده اند تا چه اندازه اهمیت دارد. اکنون کمیسیون مخصوصی مرکب از استادان که کلیدزده و بارامیدزده و آبولادزه و اینگو روکوا در تفلیس مشغول تهیه چاپ معتبری از ویس ورامینی گرجی میباشند و اتکای کامل بمتن فارسی دارند تا اینکه قسمت های مهم و مشکوک ترجمه گرجی را اصلاح کنند. بنظر ما میآید بسیار مناسب است که چنین کاری نیز در باب اصل فارسی این کتاب بانکای ترجمه گرجی آن بعمل آید مخصوصاً ازین حیث که نسخه فارسی در ۱۸۶۵ و فقط از روی یک نسخه خطی چاپ شده است.

و. س. پوتوریدزه

روزنامه سخن گو

اخیراً یکی از روزنامه های آرژانتین کاغذی بنام «کاغذ سخن گو» اختراع نموده است و دعوی میکند که میتواند صفحه مانند صفحه گرامافون روی آن کاغذ تهیه کند و در آن نطق ها یا آوازهای مهم روز را طبع نموده و بدست مشتریها بدهد که در خانه بوسیله اسبابی که قبلاً حاضر کرده اند عین آن نطق یا آواز را بشنوند. این اختراع مانند فیلم ناطق است بدین معنی که نطق ها را روی استوانه ضبط میکنند و از روی آن استوانه نطق ها روی کاغذ بشکل سطور سیاه خط و نقطه که ارتعاشات صوت را نشان میدهد نقل مینماید. این صفحه را که بقطع صفحات معمولی جراید است میتوان روی دستگاه گرامافونی نصب نمود و نطق یا آواز و کنسرت را از اول تا آخر در خانه استماع کرد.